

سال ها و پس از مطالعه و تعمق در موضوع " حقیقت " باین حقیقت ( Truth ) دست یافتیم ، که این بن مایه وجود و تمیز دهنده هر خیر و شر ، زیبا و زشت ، حق و باطل ، نیکی و بدی ، پاکی و ناپاکی ، و واژگانی مترادف و نظیره های از این دست که با فطرت انسانی سروکار دارند ، آنجا که باید در عینیت جوامع بشری تبلور یافته و شاخص و استاندارد بدان تعلق گیرد و کارکردهای اجتماعی را الزام کرده و سیستم ها بر مبنای این مدخل " خود بنیاد " ( self-Foundation ) تاسیس گردد، جزء در نزد اهلیتی اندک در جامعه، فهم نشده و در نزد عموم مردم گوهری نایافته و امری مغفول مانده است ، و تنها میتوان این بیانیه مراد را که لقلقه زبان مردم در دعاوی و حق خواهی درست و یا نادرست بکار میرود و یا در مراکز ملی و بین المللی به عنوان محفل های " حقیقت یاب " ( Correlative of Truth ) از آن ذکر نام شده و یا از آن مراد باطل طلب میشود ، و کار به آنجا کشیده و جمهور آدمیان ، در متن و بیان ، در هر زمان و مکان و با توجه به خمیر مایه استشهاد وجدانی ( Inward witnesses ) و ندای باطنی ( Inner-Vocative ) فریاد بر می آورند، پس حق چیست ( What is Right ) و حقیقت کجاست ( Where is Truth ) و این قسمت از حقیقت جوئی واقعی ( Reality of seeking the truth ) در ادبیات شعر ، مرثیه سرائی ، حماسه ، دفاع از حق فردی یا گروهی ، دفاع از مرز و بوم تجاوز شده ، نظم و نثر ساخته و متون پدید آمده است ، ولی کمتر این واژه خود بنیاد ، به عنوان یک نظام پیش گیرانه و متضمن حقوق جامعه در قراردادهای و پیمان ها کشورها ( بخصوص در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه ) بکار رفته است .

لذا معتقد شدم این کم کاری و شاید بی قیدی و احتمالاً باینکه خداوند متعال ، این چنین مشیئت فرموده که جریان حق و حقیقت ، بطور جوهری و تکوینی ، حقیقت را آشکار نموده و حقیقت را ظاهر می سازد و این فقره از امور حقه و انشاء الهی ربطی به اراده بندگان نداشته و ذکر بیان حق و حقیقت از سوی اهل حقیقت جو ، خارج از حیطه اراده و اختیار بشر است و همانطور که در دین مسیحیت آمده است ، خداوند العیاذ بالله ، با فدای خود ( پرسمان دانشجو - [porseman.org/q/show.aspx?id=104851](http://porseman.org/q/show.aspx?id=104851) ) ، بشریت را از این تکالیف معاف فرموده و فقط حق خواه ، هنگامیکه از حصول به حق واقعی خود مایوس میشود و دادخواه واقعی را در عرصه حیات خویش نمی یابد ، دست بدامن کبریائی ذات باری تعالی زده و حقوق ضایع شده خویش را مطالبه میکند که البته در همین فلسفه حقیقت خواهی و دانش نشانه شناسی ، بارها و بارها تجربه شده است که خوردگان حقوق دیگران و ضایع کنندگان حق و حقیقت بدار مکافات گرفتار آمده ، ولی با صبر

آفریننده مهربان که رحم و شفقت این عزیز و این مالک هستی ، چون قانونی استوار از مظاهر حقیقت ، پس از طی دوره ای از زمان ، شامل ستم کار و کافر می گردد.

ولی من و شما که مدعی فهم مدخل خود بنیاد حقیقت هستیم ، باید سری به دیار غیر اسلامی و موسوم به کشورهای توسعه یافته بزنیم و ببینیم که چگونه با ایجاد سیستم های اجتماعی و قرارداد های میثاق گونه و تعهد آور و تاسیس بنیادهای استاندارد ، و ممیزی و ارزیابی و کار مردم را به مردم دادن و خود مردم را ننگهبان وجدانی خودشان قراردادن و سازمان های مردم نهاد مقتدر ساختن ، دارای کلانتری ها، دادگاه های خلوت و ایجاد جامعه افقی ( Horizontal Community ) شده اند و این نشانه های بارز و موثر در اداره کشور ، بر اساس تحقیق من ، بسیاری از آنها ، منبعث از نشانه های قرآنی و شواهد فرمایشات معصومین (ع) و جوهر عقل و خرد انسانی است ، بطور ساختاری در مدیریت جوامع مترقی به منصفه ظهور رسیده است ، و حال چگونه میتوانم ، متقاعد شوم که بنی آدم در یک جا مثل ژاپن و یا سوئد ، می تواند بخشی از حقوق و جلوه های حقیقت حیات طیبه را سیستم های اجتماعی گرد آورده و شاخص سازی کرده و استاندارد تعیین کند و بعضی از کشورهای باصطلاح اسلامی ، فقط به ذکر حقایق و تلاوت قرآن مجید و یک لایه صوری و ظاهری بسنده کرده و از دریای معرفت و اندوخته های گرانبار دانشمندان و اندیشمندان خود در سیستم های اجتماعی و سپردن امور مردم به مردم استکاف ( Refusal ) بورزند .

حقیقت و حقیقت طلبی بن مایه و اساس همه علوم است و علم مفید که در این رساله سی جلد علم مفید به تفصیل بیان میشود ، میوه ها و ثمرات این مدخل جامع افراد و مانع اغیار است ، فهم از حقیقت ، یعنی فهم از بن مایه حیات ، یعنی داشتن کلید سعادت برای افتتاح در های بسته ، و کرامت و عزت انسانی و سایر تشخصات متعالیه که برای انسان بر شمرده اند در این بن مایه های الهیه جمع آمده است و هر کس باندازه تشخیص حق و رعایت حقوق دیگران ، دانش واقعی داشته و اخلاص بورزد و از دایره حقوق واقعی عدول نکند ، چه در افکار ، چه در گفتار و چه در کردار پیرو حقیقت است و در این رساله خواهد که هر کس در این باب میداند خودش چکاره است و بقیه متون دعاوی ، توجیهات و گفتار ها و گفتمان ها و بگیر و ببندند ها ، قصه خود محوری ها ، خود خواهی و زیادی طلبی ها است ، روزی که شاخص های حقیقت به متن علمی تبدیل گردد و در کشورهای ساختار پیدا کند و اساس استاندارد حیات و بیولوژی نسل فردا شود ، شما نشانه ها و بر این آفریدگار خود را در محضر حق مشاهده میکنی .

یک مطلب مهم در اینجا مطرح است که ما را ناگزیر از بیان آن میکند و ناچار باید تصریح کنیم که اگر می خواهیم با دست خودمان ، خودمان را به هلاکت نرسانیم و ویرانگر طبیعت و امکانات خدادادی روی

زمین و عناصر وابسته آن در پیرامون زیست کره زمین نباشیم ، باید کلیه امور زیستی ما و علوم انسانی و فیزیکی ما که بنیاد حیات طیبیه ما را تشکیل میدهد ، با درک واقعی از حقیقت حقیقت و با رویکرد علم مفید ( Usefulness Approach ) در متون قابل فهم همگانی درآمده و این متون را برای کلیه کارکرد های حیات مفید انسانی به شاخص ها تبدیل و استاندارد سازی نموده و تنها به بیان احکام غیر مصداقی و یا توصیه های اخلاقی بسنده نکنیم ، همانطور که در دستور العمل های سی جلد علم مفید ( که بهتر است به آنها ، علوم مفید تلقی کنیم ) آمده است ، طرحی نو و بنیانی نوین ، در عرصه خارجی و عینی برای بیولوژی نسل آینده پایه ریزی نمایم و این موضوع به ده های اصول دیگر نیازمند است که یکی از آنها ، الزام به عمل در راستای علوم میان رشته ای است .

بدیهی است که این ساختار دانش محور ، ایجاد دانش نامه ای حجیم و ژرف را با همکاری احاد دانشمندان و محققان سراسر جهان میطبد و آگاهی بنی آدم را از مضامین و اصول آن الزام می نماید و استثنائات و موارد متمایزه آنرا از آنچه امروز به سرمان آمده و مایه دلسردی جمهور انسانها شده و فقدان آن باعث بازدارندگی انسان معتقد از حیات طیبیه گردیده و بازار مکاره برای سوداگران ساخته و ما را به ناچار به این سرگرمی های دلخوش کننده و زندگی بیمار گونه و بطور قسری ، سازگار جلوه داده و همچنان انسان سردرگم را بدنیال اهداف گمشده ، به ناکجا آباد راهنمایی میکند ، خلاصی دهد ، این یک اقدام جهانی و یک انقلاب برای جلوگیری از مصائبی که در حال گرفتار بوده و در آینده گرفتارتر نیز خواهیم شد ، بوده و ضامن سعادت انبای بشر خواهد شد.

ما در عصر دانائی حاضر با درک صحیح تر از گذشته ، به مفهوم زدائی های باید پردازیم که مفردات و مداخلی را نظیر فرد گرایی ، جمع گرایی ، مدرن گرایی ، پسا مدرن گرایی ، تئوری آشوب و صدها مدخل مختل کننده برای سرگرم کردن بشریت ، در دانشنامه مادی گرایان گرد آمده و تبعیت از این زبان شناسی ناپایدار که شاید مفیدیت برای تغییرات مقطعی دنیای فیزیک داشته و بسیار گسسته و با تابش های لحظه ( Flash ) و جرقه گونه عمل میکند و بارقه های امید مقطعی زود گذر ایجاد مینماید، پرهیز نمائیم و به احیای هرمنوتیکی جهانی که پاسخ های حقیقی را به سوالات فطری و درخواست وجدانی انسانها بطور عملی و کاربردی و با ثبات میدهد، مبادرت کنیم .

این گم شده حقیقی و واقعی ما است که هزاران مقاله و مکتوب از دانشمندان حقیقت جهان ، از شرق و غرب ، از ادیان الهی ، از مبارزان راه آزادی بشر ، از ستم ستیزی و مظلوم خواهی ، از کشت و کشتار های وحشتناک ، از تسهیلات بیولوژیک کشتار جمعی ، از .... تدوین شده و دانش نامه پراکنده ای را تشکیل داده

که نیازمند جمع آوری ، چینش ، آرایش و ویراستاری بوده و جمع بست منسجمی را برای زیست انسانی در قرن بیولوژی حاضر تدارک کرده و آماده شود و برای نشر و بسط و توسعه مفاهیم جمعی از این دریای معرفت و گنجینه گرانبهای موجود در ذخایر معرفتی جهان ، کتب درسی و رشته های تخصصی ، کرسی های نظریه پردازی ، متن های گفتمانی لازم ، اندیشکده ، پژوهشکده و دانشکده های لازم تاسیس و با برقراری آئین ها و مراسم ، گردهمائی های جهانی ( Global events or campaign ) بنی آدم را به دست آوردهای آن آشنا و سیستم های اجتماعی ایجاد و شاخص های زیست بشریت فردا مشخص و مدون گردد.

این موضوع از نظر علمی و آراء بسیاری از اندیشمندان جهان تصریح شده که منبسط ، فیزیک و فیزیولوژی حق ندارد سیطره قسری خود را بر علوم انسانی تحمیل نماید و تمیز و معنا شناسی این حوزه از معرفت ، نیازمند علوم میان رشته و رهائی و نجات بخشی از تک رشته ای و باریکه نگری ( Narrow Seeing ) در علوم است ، خداوند متعال ، زمین و آسمان را و آنچه در آن است برای انسان آفریده و کرامت داری انسان اصل قرارداد و خود بنیادی به اشیاء و ذرات آن واگذار نشده و احساس دستگاه حسی بشر تنها برای درک حقایق بسنده نمیشود، بنابراین ماده پرستان و فیزیک دادن صرف حق ندارند دنیا را متعلق به خود و یافته های مطلق دانسته و به تحدید حدود علوم انسانی بپردازند ، از منظر حقیقت شناسی و حقوق حقه انسانیت ، این سیطره یک ظلم بارز بوده و اسبابی برای سوداگری سوداگران و سرگرم کنندگان مردم در چنبره و گرداب دنیا پرستی و محکوم کردن حدود کردن انسان و خصایص انسانی او در زندگی ناامیدی و بی نشاطی در روی زمین خاکی است ، باین سیطره باید پایان داد.

پایان دادن به سیطره ظالمانه فیزیک و فیزیک دانان ، محتاج درک درست انسان از خود ، خصایص و قوای خدا دادی ، ارزش های انسانی ، حقوق حقه او و حقایق جهان هستی برای خاطر او است و اتصال این آفریده شدگان به ظرفیت های خود بنیاد ( self- Foundation ) خویشتن که اگر مورد شناخت و کشف قرار گیرند ، هیچ قوائی جزء ذات باریتعالی قادر به سلب آنها از انسان نخواهد شد ، انسان در چرخه فیزیک از خود کناره گرفته و به دام هوی و هوس گرفتار آمده و از توان و امکانات خدادای غافل میشود و تا موقعی که فهم کند که فهم واقعیت های فیزیکی ، عناصر اصلی زندگی او نیستند ، کار از کار گذشته و و باید راهی دنیای دیگر شود که هیچ از آن خبر ندارد ، کور به دنیا آمده و در تاریکی های جهل تغذیه کرده و کور از دنیا میرود و از مشاهده تماشاگاه راز و نمایشگاه وحدت وجود و جلوه های معنائی و معرفتی آن نصیبی نخواهد داشت ، پس ما یک مرحله انفصال داریم و مرحله بعدی یک اتصال داریم ، ریزش گذشته فیزیکی و برکه ای خود و رویش

معنوی و اقیانوسی جهان درون و تفکیک این دو حوزه برای ایفای تکالیف ذاتی خودشان و جلوگیری از قلب و خلط مباحث بین آنها ، برای زیبا زیستی .

برای رهایی از دور باطل ( Null Circle ) زندگی فیزیکی و حضور در زندگی با نشاط معنادار ، و با بهترین استاندارد ، نیازمند تازه واردان از جوانان برانگیخته و حماسه گر و اندیشمندان فرهیخته و جوشش ها و گداختگی های انرژی را هستیم ، تخصص لازم است ولی نه به قیمت افادگی و افزون طلبی و خود محوری ها ، بلکه در راستای حقیقت و کشف حقایق هستی ، یادگیری مخلصانه شرط اول ورود به صحنه این پژوهشگری ، مشخص سخن گفتن ، هر بافته و نابافته بهم پیوند نزن ، ترکیبات خوش فهم ساختن ، و از عهده سوالات اساسی خواسته های انسانی برآمدن ، بمعنی اذن دخول به بارگاه مقدس علم مفید است ، بلند پروازی ، آنجا که روح انسانی را برای ایفای نقش برین ، به پرواز در می آورد ، پسندیده است ولی در محضر شایستگان و مقامات اهل تامل و احسان ، زینده نیست ، این امر مهم ، بازنشسته و نشسته و ایستاده و سن و سال نمی شناسد ، مدرک و کاغذ ملاکش نیست و با دانستن چند موضوع نوعی ( Typical Subjects ) از قبیل انرژی کوانتم ، گرانش شناسی ( Gravitalogy ) ، مغز و اعصاب و الکترو مغناطیس و نظایر اینها نمی توان به حوزه معرفت شناسی انسان و هستی شناسی کائنات و حقایق عالم دست یافت ، باید خط به خط این معارف را بخواند و دانش ناب پیدا کند و میان فیزیک و ماورای آن و حکمت متعالیه گسستگی نیابد و بداند همه این موجودیت ها ، در وحدت علوم ، راه به حقیقت دارند .

هر گونه استبداد علمی که ما را از نیل به ساختن شاخص های حیات ارزشمند و مفید انسانی مانع شود از هر کس و هر نوشته مردود است ، ما باید لیستی از سوالات اندیشمندان و ناله های انسان حال و گذشته ، تظلم ها و شکاف های وحشتناک بین طبقات مردمی تنظیم کنیم و بر اساس آموزه ای علم مفید ، پاسخ های متقن و کاربردی به این سوالات بدهیم ، و آنچه تکراری و بدرد خور نیست ، به کارخانه کاغذ سازی منتقل سازیم و به تمیز کردن حافظه مترکم کتابخانه و دیجیتالی جهان خاتمه دهیم .

ما ابتدا به طرح تعاریف متعاف و اثره حقیقت نمی پردازیم ، این مساعی بارها و بارها ، توسط اهالی این حوزه انجام شده و تکرار آن در این رساله ، اقدام برجسته ای نیست ، کار نوین ما اینست ، سعی کنیم بدانیم و دیگران را در این دانستن ها و بکار گیری رهیافت ها ، هم داستان وهم پیمان کنیم ، این رویکرد که با ثمرات علوم مفید ، نشانه مند شده و جلوه میکند ، میوه های حقیقت را در شجره طیبه علوم حقیقی نشان می دهد ، ایجاد جوامع نمونه از این دست آورد ، اگر چه با حجم و شاکله کوچک باشد ، خود مبین حقیقت و خود تحریک و دارای قابلیت توسعه و تعمیم است .

